

ارسلان کاظمی، کاپیتان تیم ملی بسکتبال، در گفت‌وگو با «ایران»:

کسب سهمیه المپیک لس آنجلس غیرممکن نیست

احتمال صعود تیم ملی فوتبال در جام جهانی ۲۰۲۶ زیاد است

گفت‌وگو

پرسا غفاری
گروه ورزشی

ارسلان کاظمی را نمی‌توان صرفاً با آمار و افتخارات معرفی کرد؛ زندگی او یک قصه است. قصه‌ای که از زمین‌های بسکتبال آسیا آغاز شد و به سالن‌های پریهایوی NBA، لیگ چین و میدان‌های سخت

مفهوم بسکتبال برای شما چیست؟

قطعاً بسکتبال برای من زندگی است. من از ۹سالگی بسکتبال بازی می‌کنم و حدوداً ۲۸ سال است که این رشته را دنبال کرده‌ام. جدا از بسکتبال، ورزش عشق زندگی من است. من تقریباً همه رشته‌های ورزشی را دنبال می‌کنم و به جز رشته‌های زمی، در اغلب آنها فعالیت داشته‌ام.

با وجود علاقه‌مندی به اغلب رشته‌ها چرا بسکتبال را انتخاب کردی؟

می‌خواهم یک داستان خنده‌دار برایتان تعریف کنم. دو ساله بودم که پزشک اطفال به مادرم گفت: «بپرستان دو متر می‌شود، یک توپ بسکتبال برایش بخردی تا از همین حالا بسکتبال بازی کند!» (با خنده)

البته رشته‌های زیادی را دنبال کردم. در شش ساله دارم. تنیس را در حدی بازی می‌کنم که می‌توانم مسابقه بدهم. والیبال، هندبال و بسکتبال را هم‌زمان انجام می‌دادم و از چهارم دبستان بسکتبال را به‌صورت جدی شروع کردم. فدراسیون را برعهده داشت و مسابقات مینی بسکتبال با حضور تیم‌هایی از اردن، لبنان و عراق برگزار می‌شد. البته نه به این صورت که کشور به کشور باشد، بلکه تیم‌ها میکس می‌شدند. همان سال اول به عضویت تیم مینی بسکتبال درآمدم. این اتفاق روحیه زیادی به من داد، علاقه‌ام به بسکتبال بیشتر شد و ماندگار شدم.

ارسلان کاظمی از بسکتبال اصفهان معرفی شد؛ آستانی که ستاره‌های زیادی را به تیم ملی معرفی کرده است. اکنون هم رئیس فدراسیون اصفهانی است و شما کاپیتان تیم ملی شده‌اید. قطعاً این مسیر راحت نبود و چار دارم از مربیان پایه‌ام تشکر کنم. البته اسم نمی‌آورم چون تعدادشان خیلی زیاد است، بویژه آقای آقاجان که مدت طولانی با او کار کردم. حیف که این روزها ورزش

و نفس‌گیر ایران رسید. «پادشاه اسلم‌دانک آسیا» لقبی نیست که اتفاقی پرشانه‌هایش نشسته باشد؛ این عنوان، حاصل سال‌ها سفر، شکست، پیروزی و ایستادگی در میدان رقابت است. پسری که روزی با لب‌تایی زیر بغل در دانشگاه رایس، رویاهایش را میان کلاس و تمرین جابه‌جا می‌کرد، امروز به مردی تبدیل شده که وزن یک تیم را بردوش می‌کشد.

در زمین، دیگر خبری از گذشت بی‌حساب نیست. اشتباه‌ها را بی‌رحمانه شکار می‌کند و با نگاهی مصمم، شانه‌به‌شانه سرمربی، رودروی حریف می‌ایستد؛ گویی میدان، میدان نبرد است و او فرمانده‌ای که

در آموزش و پرورش جایگاهی ندارد. آن زمان بیشتر بازیکنان، علاوه بر تمرینات باشگاهی، ورزش را در مدارس و مسابقات قهرمانی کشور که در سردارچنگل شمال برگزار می‌شد، تجربه می‌کردند؛ اما الان حتی قهرمانی کشوری هم نداریم. رقابت‌های مدارس، هم به مربیان انگیزه می‌داد و هم به ما ورزشکاران. به هر حال با سعی و تلاش خودم، حمایت مربیان و بیش از همه پدر و مادرم که نقش بزرگی در این مسیر داشتند و همواره تأکید می‌کردند در کنار درس، بسکتبالم را ادامه بدهم، توانستم مراحل ترقی را طی کنم. ابتدا متولدین ۱۳۴۵ بودیم که هفت نفر از آنها اصفهانی و عضو تیم ملی جوانان بودیم و با کسب اولین مدال طلای آسیایی ایران، افتخار بزرگی برای استان رقم زدیم. بعد از آن نوبت به رده سنی ۱۳۴۹ رسید که به واسطه عملکرد خوبمان حتی رده‌های بعد از خودمان را هم جا گذاشتیم. اما اتفاق مهم در رشد بسکتبال من، بازی کردن در آمریکا بود.

ارسلان از دانشگاه رایس شروع کرد. سپس در فیلادلفیا در لیگ حرفه‌ای آمریکا بازی کرد. در بسکتبال ایران تنها شما و حامد حدادی سابقه بازی در NBA، چین و ایران را دارید. به نظر شما کدام لیگ جذاب‌تر بود؟

قطعاً NBA و اصلاً قابل قیاس نیست. هر سال ۶۰ تا ۷۰ نفر به لیگ اضافه می‌شوند. ۳۰ نفر همیشه گارانتی ماندن دارند و ۳۰ نفر هم از لیگ خارج می‌شوند. این شرایط، کار را برای هر بازیکنی سخت می‌کند. NBA بازیکنان فوق‌العاده‌ای دارد و حتی دانشگاه‌های آمریکا هم از سطح کیفی بسیار بالایی برخوردارند و بازی کردن در آنجا کار آسانی نیست. فکری می‌کنم بازی در چین هم سختی‌های خاص خودش را دارد. اما لیگ ایران قبلاً به دلیل شرایط اقتصادی بهتر و حضور بازیکنان خارجی که مستقیم از NBA می‌آمدند، حال و هوای متفاوتی داشت. الان دیگر نمی‌توانیم بازیکنانی با بیش از ۲۰ هزار دلار جذب کنیم، در حالی که خارجی‌های قدیمی ۲۰ تا ۸۰ هزار دلار دستمزد می‌گرفتند.

کاپیتانی ارسلان کاظمی برای تیم ملی و باشگاه شهرداری گرگان



عقب‌نشینی را یلد نیست. همین مرد سرسخت در بیرون از زمین چهره‌ای دیگر دارد؛ جوانی خوش‌اخلاق که با لحنی کاملاً دوستانه با همه گفت‌وگو می‌کند و با حوصله به پرسش‌های علاقه‌مندان ورزش پاسخ می‌دهد.

ارسلان کاظمی محصول تجربه است؛ تجربه‌ای که از قاره‌ای به قاره دیگر امتداد یافته و حالا در قامت فرمانده‌ای آرام اما قاطع، به تیم ملی و باشگاهی‌اش معنا می‌بخشد. به بهانه حضور موفق او در رقابت‌های لیگ برتر بسکتبال، با او گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

خوش‌یمن بود. فکری کنی این فصل هم با استقلال قهرمان شویی؟

معتقدم هرزحمتی که در تمرین بکشد، نتیجه‌اش را در بازی می‌بیند. فکر می‌کنم نه فقط تلاش من، بلکه زحمت هم‌تیمی‌ها و کادر فنی در فصل گذشته بود که باعث شد یک کار بزرگ انجام دهیم و در مقطعی که کسی باور نداشت، جام قهرمانی را بالای سر ببریم.

و در خصوص استقلال؟ یکی از خوشحالی‌های بزرگم این بود که یکی از پرشاه‌ترین باشگاه‌های ایران به بسکتبال آمد. جای تشکر دارد که این باشگاه نه تنها در بسکتبال، بلکه در بسیاری از رشته‌ها فعالیت خود را آغاز کرده و مثل یک مجموعه حرفه‌ای بزرگ عمل می‌کند؛ شبیه ژال مادرید و بارسونا که در همه رشته‌ها حرف اول را می‌زنند.

از عضویت در این تیم بسیار خوشحالم و همان‌طور که می‌بینید تمام تلاشم را می‌کنم. البته تیم ما واقعاً جوان و کم‌تجربه است، برخلاف خیلی از صحبت‌هایی که مطرح می‌شود و اینکه می‌گویند ملی‌پوشان در استقلال جمع شده‌اند. بهتر است سوابق بازیکنان را ببینند؛ بسیاری از آنها فصل دوم یا سوم حضورشان در لیگ برتر است. بازیکنی مثل حبیبی که آن شاهکار را در گرگان انجام داد، اولین فصل حضورش در لیگ برتر بود. امیدوارم با اضافه شدن حامد حدادی و یک بازیکن خارجی خوب، تا پل‌آف به هماهنگی موردنظر برسیم و با تمام قدرت در این مرحله حاضر شویم.

در لیگ‌های زیادی بازی کرده‌اید، اما آیا تاکنون با چنین جو سنگینی از سوی هواداران روبه‌رو شده بودید؛ جوی که در آن به سرمربی و کاپیتان تیمی که آنها را قهرمان کرده بودند، این گونه بی‌حرمتی و فحاشی شود؟

در هر جایی که می‌روید، یک سری شیفت‌ها برای به‌هم‌زدن تمرکز بازیکن وجود دارد. اما با قاطعیت می‌توانم بگویم در NBA برای تشکر از بازیکنی که باشگاه را ترک کرده، یک ویدیوی کوتاه می‌سازند و با حضورش در مسابقه از او قدردانی می‌کنند.

اما در خصوص شهرداری گرگان باید بگویم این اتفاق، شیطنتی بود که از سوی برخی‌ها انجام شد تا کوتاهی‌های خودشان زیر سؤال نرود. یک سری دروغ‌ها مطرح شد تا سوءتفاهم‌هایی ایجاد شود و من در جریان آن صحبت‌ها هم هستم. به نظر من، در ورزش مربیان و بازیکنان حرفه‌ای هستند و ممکن است هر سال در باشگاه دیگری فعالیت کنند. این گونه بی‌احترامی‌ها کاملاً خارج از شان ورزش است.

خاطرات خوب باشگاهی‌ات با کدام تیم بود و کدام باشگاه را حرفه‌ای‌تر می‌دانی؟ به نظر من، باشگاه حرفه‌ای باید تمام امکانات مخصوص به خود را داشته باشد. حرفه‌ای‌ترین باشگاه در طول تاریخ بسکتبال ایران، پتروشیمی بند امام بود. همه چیز به‌صورت حرفه‌ای پیش می‌رفت و به‌جز بحث اقامت ما که در شهرک ممک‌بود، سایر موارد از جمله امکانات و پرداخت قراردادها



دوران بازی بسکتبال من، سه مقطع وجود داشت که در آن اتفاقاتی رخ داد که اگر هر کسی جای من بود، شاید ورزش را کنار می‌گذاشت. اما خدا را شکر من از آن شرایط سربلند بیرون آمدم



دو ساله بودم که پزشک اطفال به مادرم گفت: پسران دو متری می‌شود بسکتبال برایش بخردید تا از همین حالا بسکتبال بازی کند

با سرمربی‌ان صاحب‌نام ایرانی و خارجی زیادی کار کرده‌ای؛ کدام یک باعث ترقی‌ات شدند؟

وقتی به ایران برگشتم، بحث ترقی‌تا حدی برایم گذشته بود. با مربیان بزرگی مانند مهران شاهین‌طبع، مصطفی هاشمی، مهران حاتم‌ی و فرزاد کوهیان کار کرده‌ام. هر کدام سبک خاص خودشان را دارند و وظیفه من بازیکن این است که خودم را با سبک مربی هماهنگ کنم.

در مورد مربیان خارجی، آقای باثرم و مانولوپولوس بیش از همه به من کمک کردند. البته به باثرم ارادت خاصی دارم.

در جام جهانی ۲۰۱۴اسپانیا رنچیده خاطر شدی؛ فکری کنی آن موقع آن وضعیت عادی بود؟

برخی مسائل مربوط به گذشته است و ترجیح می‌دهم یادآوری نشود. اما در دوران بازی بسکتبال من، سه مقطع وجود داشت که در آن اتفاقاتی رخ داد و اگر هر کسی جای من بود، شاید ورزش را کنار می‌گذاشت. اما خدا را شکر من از آن شرایط سربلند بیرون آمدم. زمان نشان داد که من تصمیم‌رکار نبودم و مورد بی‌مهری قرار گرفتم. امیدوارم چنین اتفاقاتی دیگر تکرار نشود.

بهترین بازیکن تاریخ بسکتبال ایران را چه کسی می‌دانید؟ در رده‌های سنی پایین‌تر، بازی آقای محسن صادقی‌زاده را خیلی دوست داشتم. چون ۱۵ یا ۱۶ ساله بود و در زمان سرمربیگری‌شان در ذوب‌آهن، گاهی خودشان لباس بازی می‌پوشیدند و با تیم مسابقه می‌دادند و کاملاً متخص بود که بازیکن قابل هستند.

در رده سنی بعدی، همیشه بازی سامان ویسی را دوست داشتم؛ بازیکن بسیار قابل‌ی بود که هر حرکتی انجام می‌داد، می‌شد از آن یک هیالایت ساخت. دانکی که روی سر ژورف گارف زد را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. البته در همان زمان، آدیبن، صمد و حامد حدادی بودند که حامد جدا از همه این‌هاست و یکی از بهترین بازیکنان تاریخ بسکتبال ایران به‌شمار می‌رود.

فکری کنی بازیکنان نسل جدید بتوانند قهرمانی‌ها و حضور در جام جهانی و المپیک را تجربه کنند؟ پتانسیل آن را دارند، به شرطی که قانع نباشند. یعنی هدف‌شان

برای چهار سال آینده باید قهرمانی یا حداقل نایب‌قهرمانی باشد، نه اینکه به مقام سومی رضایت بدهند. بازی‌های آسیایی ناگويا هم در راه است و به‌دلیل نبود نیوزلند و استرالیا، باید روی سکوی قهرمانی بایستند. با این طرز فکر و تمرین زیاد به‌نظر می‌توانند به جایگاه خوبی برسند. فکری می‌کنم سینا واحدی یکی از این بازیکنان است که انرژی بسیار بالایی دارد. محمد امینی و پارسا فلاح هم همین‌طور.

یکی از بهترین خاطرات شما در بسکتبال؟

یکی از بهترین خاطراتم، قهرمانی با باشگاه پتروشیمی در آسیان هم با هفت بازیکن بود. باورکردنی نیست؛ کره‌ای‌ها ما را مسخره می‌کردند، اما خدا خواست و قهرمان شدیم.

المپیک اوج دوران ورزشی یک ورزشکار است. المپیک‌ها برای‌ت چگونه گذشت؟

المپیک بالاترین سطحی است که یک ورزشکار می‌تواند به آن راه پیدا کند و فضای عجیبی دارد. به‌جز حامد، صمد و سعید که یک دوره المپیک دیگر را تجربه کرده بودند، بقیه ما در شوک بودیم. تنها نکته منفی المپیک توکیو، هم‌زمانی آن با دوران کرونا بود؛ تماشاگری در سالن‌ها حضور نداشت، گرفت. اما در کل، دیدن بزرگ‌ترین ورزشکاران دنیا و کسانی که به آنها علاقه داری، تجربه‌ای فراموش‌نشدنی است.

بسکتبال تنها رشته‌ای است که آمریکا در المپیک با تمام قوا حاضر می‌شود. تقابل با آنها همیشه جذاب است. هنگام بازی مقابل آمریکا در المپیک توکیو، یاد دوران حضورت در فیلادلفیا افتادی؟

کی جی، مربی تمرین‌دهنده تیم ملی آمریکا و کمک‌مربی این تیم، سرمربی من در فیلادلفیا بود. یکی از بازیکنان‌شان، میدلتون، که مدیر برنامه‌مان هم مشترک بود، مقابل ما بازی کرد. هر کدام از بازیکنان آنها ایهت خاصی داشتند.

البته ما در زمان بدی با آنها روبه‌رو شدیم؛ چون در بازی قبلی به فرانسه باخت‌ه بودند و از طرف رسانه‌های آمریکایی فشار زیادی به آنها وارد شده بود. بنابراین مقابل ایران با تمام قوا حاضر شدند و هر شوتی زدند تبدیل به امتیاز شد. با این حال، در توکیو مقابل جمهوری چک و فرانسه عملکرد خیلی خوبی داشتیم.

المپیک لس‌آنجلس را تجربه خواهی کرد؟

همه چیز بستگی به قرعه‌کشی جام جهانی و نتایجی دارد که تیم ملی در آن رقابت‌ها می‌گیرد تا بتوانیم سهمیه المپیک را کسب کنیم. هیچ چیز غیرممکن نیست و خدا می‌داند فردا چه

بسکتبال ایران فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. بهترین دوران بسکتبال به زمان کدام رئیس فدراسیون برمی‌گردد؟

دوران ریاست مرحوم محمود مشحون. از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ بسکتبال ایران روند رو به رشدش را آغاز کرد و سال‌ها قهرمان شدیم و تیم‌های زیادی در لیگ حضور داشتند.

بعد از آن، شاید بدترین دوران هم دوباره به همان دوره پایانی ریاست مرحوم مشحون برگردد؛ زمانی که با دو یا سه تیم نظامی، در لیگ به هشت تیم کاهش پیدا کرد.

جام جهانی فوتبال را پیش است؛ فکری کنی تیم ملی ایران از گروه‌ش صعود می‌کند؟

برای تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات جام جهانی فوتبال آرزوی موفقیت می‌کنم و مطمئناً چالش‌های زیادی سد راه‌شان است. عواملی که به شرایط تحریم و وضعیت اقتصادی کشور بازمی‌گردد، از جمله برگزاری اردوها و انجام بازی‌های تدارکاتی با تیم‌های تراز اول جهان که بی‌تأثیر نیست. البته آنها هم ممکن است در شرایط ایده‌آل نباشند، اما امیدوارم بروند و بهترین نتیجه ممکن را بگیرند. ضمن اینکه به‌نظر من با توجه به برگزاری دو رویداد در لس‌آنجلس، انگار در ایران بازی خواهند کرد؛ چرا که ایرانی‌های زیادی در لس‌آنجلس حضور دارند و ورزشگاه را پر می‌کنند. به‌ه همین دلیل معتقدم آنها به احتمال زیاد از گروه خود صعود خواهند کرد.

شده در بسکتبال بگویی‌د کاش یک سری اتفاق‌ها نمی‌افتاد؟

بدترین اتفاقی که در دوران بسکتبالم افتاد، باخت ما مقابل اردن در سال ۲۰۱۱ بود؛ چرا که تیم بسیار خوبی داشتیم. هرچند صمد از ناحیه پا دچار پیچ‌خوردگی شده بود و نتوانست ما را همراهی کند، اما یک‌سری حاشیه‌ها در اطراف تیم هم باعث شد المپیک لندن را از دست بدهیم.

از بسکتبال به سمت برند لباس رفتید؟

همیشه دوست داشتم برند خودم را داشته باشم. مدتی با یکی دو نفر همکاری کردم، اما ایش‌کاش این کار را نمی‌کردم و از همان ابتدا برند خودم را راه‌اندازی می‌کردم؛ چون این همکاری‌ها حدود پنج سال مرا عقب انداخت. با این حال، خدا را شکر امسال با همکاری یکی از دوستانم کار را شروع کردیم. ابتدای راه هستیم و همه چیز هنوز خیلی تازه است، اما امید زیادی به موفقیت آن دارم. البته در ابتدای راه‌اندازی با مشکلاتی مثل جنگ تحمیلی (۱۲روزه هم روبه‌رو شدم.

گاهی می‌شنویم که چرا فلان بازیکن فوتبال قراردادش این‌قدر است و ما کمتر می‌گیریم. به‌نظر من هر فوتبالیستی هرچقدر می‌گیرد، نوش جان‌ش؛ چون زحمت می‌کشد. تنها درخواست من از مسئولان این است که این اختلاف ایجادشده را به شکلی جبران کنند. به‌طور مثال، تیم ملی فوتبال با یک برد در جام جهانی ۱۰ هزار دلار پاداش می‌گیرد؛ انتظار این است که به سایر رشته‌ها مثل والیبال، بسکتبال، کشتی و... هم توجه شود. امیدوارم این تفاوت‌ها از بین برود، وگرنه مبلغ قرارداد هر ورزشکاری نوش جان‌ش.

آنچه برای بسکتبال و ورزش کشورمان آرزو دارید؟

در کل برای همه ورزشکاران کشورمان آرزوی موفقیت می‌کنم؛ چون همه می‌دانیم با چه امکانات محدودی تلاش می‌کنند تا بهترین نتیجه را به دست بیاورند. تنها دلخوشی من و بسیاری از بازیکنانی که برای تیم ملی بازی می‌کنند، این بوده که برای لحظه‌ای لبخند به لبان هموطنان‌مان بیاوریم. واقعاً تیم ملی برای هیچ بازیکنی نه منفعت مالی دارد و نه اتفاق بزرگی را از نظر شخصی رقم می‌زند.



بیش